

محدودیت‌های جدی و امکان تسلیحاتی کردن برنامه، می‌تواند اجازه رسیدن به توافق محدود را بدهد که هدفش زنده‌نگه‌داشتن دیپلماسی تا بعد از تابستان است.

این نتیجه البته ترجیح آمریکا نیست، بی‌صبری ترامپ رسوای خاص و عام است و او به توافقی که به نظر برسد طراحی شده تا او را دنبال خود بکشد، بدبین خواهد بود؛ اما بین دو طرفی که عمیقاً به هم بی اعتماداند، نمی‌شود در دوماه‌ونیم به توافقی جامع رسید. ترامپ همین حالا هم تهدید کرده اگر گفت‌وگوها ناکام بماند، ایران را بمباران می‌کند. در این شرایط، توافقی ساده‌تر، تنها جایگزین شدنی برای مقابله نظامی است. خوشبختانه ترامپ همواره نشان داده، وقتی بتواند ادعای پیروزی سیاسی کند، مایل به دوری از مواضع حداکثری است. اگر پیشرفتی واقع شود، ایالات متحده ساوکار ماشه تحریم‌ها را عقب خواهد انداخت، یا به صورت غیررسمی با فشار آوردن بر متحدان اروپایی، یا با پیگیری قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد که ضرب‌الاجل را تمدید کند. متحدان ایالات متحده در اروپا و حتی روسیه و چین، می‌توانند از چنین حرکتی حمایت کنند، اگر به عنوان راهی برای پرهیز از بحران رو شود. این رویکرد گزینه ماشه را حفظ خواهد کرد، درحالی‌که مسیر دیپلماتیک را باز نگه‌می‌دارد و تشدید بلافاصله تنش را هم عقب. گزینه نظامی روی میز خواهد ماند. ایالات متحده استقرار نیروها را در منطقه گسترش داده و بمب‌افکن‌های رادارگریز ب ۲ هنوز مستقرند، با توانایی حمل مهماتی که برای نفوذ به اهداف مستحکم طراحی شده‌اند، مانند تأسیسات غنی‌سازی ایران در فردو و نطنز. این‌ها هم به عنوان اهرم مذاکراتی به کار می‌آیند و هم به عنوان آماده‌سازی برای حمله هوایی بالقوه، در صورت ناکامی گفت‌وگوها. هیچ تضمینی برای موفقیت در کار نیست. ممکن است ایران شرایط ایالات متحده را رد کند یا زیادی روی دستش حساب باز کند و به امید کسب امتیازات بیشتر ماجرا را کش بدهد. ممکن است ترامپ تصمیم بگیرد که امتیازاتی که گرفته کافی نیستند و به سمت ماشه تغییر مسیر دهد یا بدتر از آن. اگر مذاکرات شکست بخورند و ایالات متحده یا اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کنند، ایران به عنوان تلافی اهداف نظامی ایالات متحده در منطقه را هدف خواهد گرفت و به سمت تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای اش خواهدرفت.

این‌ها همه سناریوهایی واقع‌گرایانه‌اند؛ اما علی‌رغم این خطرات، دور فعلی دیپلماسی، نمود جدی‌ترین فرصت برای کاهش تنش هسته‌ای، پس از فروپاشی برجام در هفت سال پیش است.



در تضاد با نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل قرار می‌گیرد. نتانیاوو همچنان خواستار و حامی حملات نظامی است. اسرائیل هر توافقی با ایران را که اجازه حفظ ظرفیت غنی‌سازی را بدهد، شکستی راهبردی تلقی می‌کند.

در همین حال، ترامپ پیگیر سفری مهم به شبه‌جزیره عرب است و امیدوار است در این سفر، توافقات سرمایه‌گذاری با کشورهای مثل عربستان سعودی و امارات متحده عربی حاصل کند. این دولت‌ها مشخص کرده‌اند که مایلند برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود را بسازند. اگر ایالات متحده حق ایران برای غنی‌سازی را به رسمیت بشناسد، ممکن است خود را در وضعیت ناخوشایندی ببیند که در آن ناچار است همین حق را از شرکای عرب دریغ کند. در چنین فضایی شاید ادبیات تندرانه دولت پیش از گفت‌وگوهای مسقط فقط برای تهران نبوده و ریاض و ابوظبی را هم در نظر داشته.

نتیجه این وضعیت، رویکردی در مذاکره است که به نظر واکنشی می‌آید؛ بیشتر تحت تأثیر ظاهر سیاسی تا راهبردی مشخص. شاید گفت‌وگوهای مسقط فعلاً دیپلماسی را زنده نگه داشته باشند، اما بدون هدف نهایی منسجم و واقع‌بینانه در واشنگتن، فرصت توافقی ماندگار، کم و کمتر می‌شود.

پس از دهه‌ها تنش، گفت‌وگوی ایران و آمریکا به چه معناست؟

نمای کلی مذاکرات تهران و اشننگتن



چارلی گمل
دیپلمات سابق میز ایران
در وزارت خارجه بریتانیا

دیپلمات‌های ایران و آمریکا در مسقط، دور چهارم گفت‌وگوهایشان را برگزار کردند و به تلاش برای یافتن راه عبور از بن‌بست ادامه دادند؛ بن‌بستی که روابط ایالات متحده و ایران را از سال ۱۹۷۹ طلسم کرده است. این گفت‌وگوها تا اینجا جای کار از هر لحاظ، ترکیبی از مثبت و منفی بوده‌اند. تصویر کلی همچنان کمی مبهم است؛ به‌خصوص در مسئله غنی‌سازی اورانیوم. برخی تدروها در تهران دارند کم‌کم مد می‌شوند و در شرایطی که وضعیت دارد سخت می‌شود، روایت‌های قدیمی و ریشه‌دار در دو سوی این اختلاف دارند کم‌کم دوباره سر بر می‌آورند. منابع نزدیک به گفت‌وگوها اشاره کرده‌اند که ممکن است ایالات متحده با غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور - یا در وضعیت متوقف یا محدود - موافقت کند و در مقابل ایران تمایل نشان داده که فرایند بازرسی سختگیرانه‌تری را در تأسیساتش بپذیرد. این پیشرفت است، اما شکننده.

نگرانی این است که داریم به وضعیت فرسایشی پیش‌بینی‌پذیری می‌رسیم که در آن، واقعیت روی بد خود را نشان می‌دهد و موفقیت در چشم‌انداز عقب و عقب‌تر می‌رود، در نقطه‌ای که به ما یادآور می‌شود که ژئوپلیتیک و معامله املاک، گرچه هر دو شامل آدم‌ها، کلمات و دفاتر کاری می‌شوند، پدیده‌های متفاوتی هستند. استیو ویتکاف، مذاکره‌کننده‌ای باهوش و دارای دانشی چشم‌گیر، در وضعیت سختی قرار گرفته‌است، اما وضعیت برای عراقچی، وزیر خارجه ایران و تیمش هم همین‌طور است، در شرایطی که با هوش و تجربه‌ای خیابانی مواجه می‌شوند که معمولاً به وزارت خارجه آمریکا ربطی نداشته. از این لحاظ، سفر ترامپ به خاورمیانه، بهمنی از قدرت مالی آمریکا و دسترسی دیپلماتیکش خواهد بود، با پیام‌هایی ضمنی برای تهران که قطار پولی در منطقه به راه افتاده است و اگر ایران کارت‌هایش را درست بازی کند، می‌تواند خود را سوار بر این قطار ببیند و بمب‌افکن‌های بی ۵۲ که دور خلیج فارس پرسه می‌زنند، مثل همیشه، چماق‌هایی هستند در کنار این هویج‌ها.

اما مثل همیشه روابط ایالات متحده و ایران، لااقل از سال ۱۹۷۹، آن‌هایی که باید حواس‌مان باشد، تدروها هستند، در هر دو طرف. مقاله‌ای اخیر در یک روزنامه محافظه‌کار ایرانی، سیاست ترامپ را نه به عنوان دیدگاه یک فرد که به عنوان «چارچوبی بر اساس خودشیفتگی، توهمات برتری و تاکتیک‌های تهدیدمحور» توصیف کرده‌است و همین هفته گذشته شاهد بودیم رهبر عالی ایران، شعارهای «مرگ بر آمریکا» از سوی مؤمنان در نمازجمعه تهران را تأیید کرد. اینها نشانه‌ای واضح از این که با همه حمایت‌های ضمنی از گفت‌وگوها، رهبر معظم ایران گزینه‌هایش را باز نگه داشته و فضا را مهیای لحظه‌ای می‌کند که اگر کار از مسیر خارج شود تذکرات لازم را بدهد. وزارت خارجه ایران اما هر کاری که بتواند می‌کند که تضمین کند کار در مسیر درست باقی می‌ماند.

در ایالات متحده، احساسات داخلی می‌توانند مسیر را به هم بزنند، به‌خصوص اگر رفع تحریم‌های اولیه به گزینه‌ای واقعی تبدیل شود و قانون‌گذاران آمریکایی به این فکر بیفتند که سراریز کردن پول به اقتصاد ایران، چقدر معقول خواهد بود، در شرایطی که موضوعات مهمی هنوز محل اختلاف هستند؛ اما این، همان طور که دو طرف مصرانه به ما می‌گویند، شروع کار است. اعتماد باید ساخته شود.

مارکو روبیو، وزیر خارجه، در موضعی شاید بی‌خرदानه گفته است تنها کشورهای دنیا که اورانیوم غنی می‌کنند، آن‌هایی هستند که سلاح هسته‌ای دارند. به دنبال این حرف هم سردرگمی در پایتخت کشورهای که برنامه هسته‌ای غیرنظامی دارند، ایجاد شده است. موضع ویتکاف در گفت‌وگوها که شاید گاف روبیو را توضیح دهد، این است که «نباید» به ایران اجازه داد در خاک خودش غنی‌سازی کند، گرچه در اتفاقی گیج‌کننده شاهد این هم بوده‌ایم



نشست با تروئیکا در استانبول

سخنگوی وزارت امور خارجه از برگزاری نشست مدیران سیاسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی عضو برجام خبر داد. اسماعیل بقایی گفت، این نشست برای روز جمعه همین هفته، ۲۶ اردیبهشت، برنامه‌ریزی شده و قرار است در استانبول ترکیه برگزار شود. دستور کار اصلی این نشست، ادامه رایزنی با سه کشور آلمان، بریتانیا و فرانسه از جمله در مورد مذاکرات غیرمستقیم ایران-آمریکا است. ایران و تروئیکای اروپا تاکنون سه دور درباره پرونده هسته‌ای ایران مذاکره کرده‌اند. پیش از این قرار بود که دور جدید مذاکرات ایران و اروپا پیش از برگزاری دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا روز جمعه ۱۲ اردیبهشت در رم برگزار شود که به دلیل به تعویق افتادن آن دور، نشست با اروپانیز به زمان دیگری موکول شد.



پوتین به تهران دعوت شده

دیمیتری پسکوف، سخنگوی ریاست جمهوری روسیه، کرملین، روز چهارشنبه در پاسخ به سوالی درباره دعوت از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور برای سفر به ایران، آن را تأیید کرد اما گفت که هنوز تاریخی برای آن تعیین نشده است. وی گفت: در واقع، ولادیمیر پوتین دعوت‌نامه معتبری برای سفر رسمی یا کاری به ایران دارد. تاریخ‌ها هنوز مشخص نشده‌اند. به محض اینکه مشخص شوند، به شما اطلاع خواهیم داد. مقام ارشد روس در ادامه خاطرنشان کرد که مسکو برای روابط مشارکتی با ایران ارزش زیادی قائل است. پیشتر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در جمع خبرنگاران اعلام کرد که تهران و مسکو در حال آماده‌سازی مقدمات سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران هستند. عراقچی اظهار داشت: سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران در چارچوب برنامه توسعه بلندمدت روابط بین دو کشور است. ما در حال آماده‌سازی هستیم و با طرف روسی در مورد سازماندهی [این سفر] که در زمان مناسب انجام خواهد شد، مشورت می‌کنیم.



ادعا علیه برنامه فضایی ایران

ژنرالی آمریکایی با بیان اینکه «برنامه‌های پرتاب فضایی ایران می‌تواند راه را برای توسعه موشک بالستیک قاره‌پیما هموار کند» آن را تهدیدی بالقوه برای آمریکای شمالی توصیف کرد. ژنرال کریگوری گیلوت، رئیس فرماندهی شمالی ایالات متحده در شهادت کتبی که برای ارائه در جلسه استماع کمیته خدمات مسلح سنا آماده شده بود، مدعی شد: برنامه‌های رو به گسترش انرژی هسته‌ای و پرتاب فضایی ایران، در صورتی که سران این کشور تشخیص دهند که به وسیله‌ای قدرتمندتر برای به چالش کشیدن ایالات متحده نیاز دارند، مسیری مناسب برای توسعه یک موشک بالستیک قاره‌پیما که آمریکای شمالی را تهدید کند، فراهم می‌آورد. بنابر گزارش ریا نووستی، گیلوت همچنین گفت که ایران توانایی حمله به ایالات متحده در حوزه سایبری و از طریق عملیات نامتقارن و نیابتی خود را حفظ کرده است. او در ادامه مدعی شد که ایران، مانند چین، روسیه و کره شمالی، به دنبال اجتناب از روبرویی نظامی مستقیم با ایالات متحده است. با این حال، گیلوت گفت که تهران، غرب را در حال افول می‌داند و این امر تمایل بیشتری برای به چالش کشیدن ایالات متحده در صحنه جهانی ایجاد کرده است.